

متن پرسش

سلام استاد: نظرتون را راجع به متن زیر بفرمایید: «اربعین امری فراتر از عادات» بسم تعالی: نمی دانم باید اسم این «رازگونی تاریخ» را چه بگذارم او که نه می شود دانستش، نه می شود نوشتش، نه می توان خواندش، و هزاران نهی دیگر... فقط می دانم که باید در حیرت زده گی، گیجی و سر درگمی نظاره گرش بود؛ انگار باید در او قرار گرفت و در حضور پر معنای او غایب شد به مانند قطره در میان دریا. اصلاً مگر می شود از «سر»، جز به اشاره سخن گفت تا وجهی از وجوهش را در هر دوره ظهوری باشد؟! چه خوش گفت شاعر که: «حقیقت را به هر دوری ظهوری ست» آری این حقیقت بی منتها را نه می شود و نه ظرفش هست که یکجا و یکباره به نظاره نشست. حقیقت عاشورا به مانند خورشیدی ست که تاب ماندن به پیش او را کسی ندارد، آنقدر شدید است که هرکس بخواهد به آن نزدیک شود هلاک خواهد شد، حال چه در لباس حق باشد، چه در لباس طاغوت. چرا که عاشورا محل ابراز حضور و وجود نیست، روز عاشورا محل «مستهلک شدن» است محل «فنا و نابودی هر چیزی» است با این تفاوت که عده ای حسینی شوند، عده ای یزیدی. آنقدر حرارت عاشورا شدت دارد که کسی نمی تواند با «من» خود که چیزی جز «وهم» نیست در آن قرار گیرد. توان دیدن، فهمیدن و درک عاشورا برای کسی نیست بل باید آن را در جلوه ی رقیق شده اش، به نظاره نشست. «اربعین» همان تجلی گاه، محل و مشهد عاشوراست. اگر کسی بخواهد واقعیت عاشورا و حسین «علیه السلام» را در متن و جای جای تاریخ ببیند، باید اربعین را به تماشا نشیند و «کل یوم عاشورا» را کجا می شود تاویل و تعبیر و تفسیر کرد؛ الا با اربعین؟! آری اربعین داستانها، رازها و نگفته ها در سینه دارد که گاه گاهی بنا به کاسه ی ما بی طرفها «سزی» از آن راز بی منتها را برایمان فاش می کند و ما را به حیرت و سکوت وامی دارد. «اربعین» آمده بشریت را به سمت و سوی «امت واحده ی» محمدی، اشارت و بشارت دهد. «اربعین» این باران کثیر محبت آمده تا رودهای جاری حیات را به دریا های خروشان فطرت، و این دریاها را به اقیانوس بی نهایتی به نام «ابا عبدالله» منتهی کند. آری ابا عبدالله «علیه السلام» همان کلمه ی واحدی ست که با «اربعین» به تاریخ آمده تا آدمی را به «بندگی اش» یعنی همان اصل فراموش شده ی بشر برگرداند. عالمی که امروز در آن قرار داریم عالم کثرات و اراده های معطوف به نفسانیت بشر است که طلب قدرت و طاغوتی گری دارد. بشر امروز حرف از مرگ خدا می زند و حیات خدا را در گذشته جا گذاشته، به نحوی که گویی عالم امروز مطلقاً تهی از خداست، و تنها به فرهنگ انتزاعی و حصولی نگاه به معبود اکتفا کرده و به تبع این نگاه، می خواهد حسین «علیه السلام» را هم در حدود ۱۴۰۰ پیش دفن کند و تنها بر سر قبرش فاتحه ای بخواند. اما «عاشورا» در لباس «اربعین» همان

خون حیات‌بخش در رگ‌های طول تاریخ است. «اربعین» کلمه‌ی «اُنسی» است که با زینب «سلام‌الله‌علیها» به صحنه آمد و فراهم‌کردن اُنس، کارِ مادر است و این زینب است که مادرانه آمده تا همه را به خانه‌ی اُنسِ انسانیت دعوت کند، انس یعنی یگانگی بشر، فراتر از هر مذهب و ایدئولوژی و جریان و فانی‌شدن ذیل محبت و «امر ولایت». امروزه بشر بی‌سرپناه و یتیم شده است و نیاز به تکیه‌گاهی حقیقی دارد، و این زینب است که مادرانه برای فرزند بی‌پناهِش آغوش گشوده و تکیه‌گاهی برای آرامشش شده. امروز آدمی آنقدر دچار پوچی و قهرِ طاغوتِ نفسانی شده که دیگر یأس، سر و پایش را گرفته و انگار نمی‌خواهد و نمی‌تواند در دل این زشتی‌ها هیچ زیبایی را ببیند و زینب آمده تا با «صبر مادرانه» «ما رأیت إلا جمیلاً» را ذره‌ذره حتی در غل و زنجیرِ طاغوت یزیدی هم که باشی یادت بدهد و همان طور که او، اسارت را در غل و زنجیر کرد؛ آمده تا بشر را فرا تر از «اسارت عادات» امروز بشر سیر دهد و متذکر «اذان» هستی که شهادت به «لا اله الا الله» است بشود تا بتوانیم آن به آن از «لا اله» که نفی هر خدایی است با «إلا» سیر کنیم و تمام هیمنه‌ی کاخ یزیدی را برسرش فرو بریزیم و به «الله» برسیم.

متن پاسخ

باسمه تعالی: سلام علیکم: تعبیر بسیار زیبایی است آن‌جا که می‌فرمایید: «اربعین» محل ظهور کلمه‌ی اُنس است که از طریق زینب کبری «سلام‌الله‌علیها» با روحِ مادرانه به بشریت رسید؛ و از این جهت است که قلب‌ها آرام‌آرام می‌توانند لطائف آن عشق فوق‌العاده را احساس کنند. زیرا عشقی که در کربلا ظهور کرد، حقیقتاً توصیف‌ناپذیر است به همان معنایی که آن مرد عارف فرمود: «هرچه گویم عشق را شرح و بیان / چون به عشق آیم خجل باشم از آن. گرچه تفسیر زبان روشن‌گراست / لیک عشق بی‌زبان روشن‌ترست. چون قلم اندر نوشتن می‌شتافت / چون به عشق آمد قلم بر خود شکافت. عقل در شرحش چو خر در گل بخت / شرح عشق و عاشقی هم عشق گفت». آری! تنها کسی چون زینب «سلام‌الله‌علیها» می‌تواند آن عشق را به ظهور آورد که خود ذوب‌شده‌ی آن عشق باشد. از این جهت باید گفت: زینب «سلام‌الله‌علیها» واسطه‌ی فیض است تا عشق الهی حسین «علیه‌السلام» به خدا را به بشر ارزانی دارد. اگر تا قیام قیامت بشر نمی‌تواند بفهمد چه نسبتی بین حسین «صلوات‌الله‌علیه» و خدا بود، به امید روزی هستیم که به نور زینبی در این اربعین‌های متوالی پیام عشق حسینی را از آینه‌ی زینبی احساس کنیم. موفق باشید